حیات‌نامه فکری و سیاسی علامه محمدتقی مصباح یزدی
از تولد تا پیروزی انقلاب اسلامی(۱۳۵۷-۱۳۱۳) - ۱۴

شاخص‌هایی برای انتخاب استاد

دکتر سهراب مقدمی شهیدانی

حجت‌الاسلام والمسلمین کعبی در مورد حضور طولانی‌مدت آیت‌الله مصباح یزدی در درس آیت‌الله‌العظمی بهجت(ره)، از قول آیت‌الله مصباح می‌گوید: «ایشان بر این باور بود که درس‌ها به اشکال و سؤال نیاز دارند اما در برخی موارد ممکن است اشکال‌ها موجب عصبانیّت استاد شود و خلاف ادب تلقی شود. علامه مصباح می‌فرمود نسبت به یکی از اساتید بزرگوارم چنین مشکلی پیش آمده بود که سؤالات مکرر بنده موجب ناراحتی ایشان می‌شد، به همین دلیل و برای حفظ احترام استاد از آن درس فاصله گرفتم. اما ایشان می‌فرمود در درس آیت‌الله بهجت راحت بودم. به همین دلیل ۱۵ سال در درس آیت‌الله بهجت شرکت کردند.»[1]

پیش از بازگشایی آیت‌الله مصباح از برخی مکنونات پیرامون دیدگاه سیاسی آیت‌الله بهجت، تلقّی‌های نادرستی در این باب وجود داشت. برخی تلاش داشتند از آیت‌الله بهجت چهره‌ای «بی‌تفاوت» و حتی «مخالف» نسبت به انقلاب اسلامی، معرفی کنند.

تصریحات آیت‌الله مصباح در مورد دیدگاه‌های سیاسی آیت‌الله بهجت، فصل مهمی در بازشناسی اندیشه سیاسی ایشان بود و از عمق پیوند فکری ایشان با امام و انقلاب اسلامی پرده برداشت. اعتقاد عمیق به حکومت اسلامی از یک سو و توصیه اکید به حضور در مسائل سیاسی، روشنگر واقعیت و حقیقت آیت‌الله بهجت است که برخی بدخواهان و بعضی افراد بی‌اطلاع نخواستند و نگذاشتند در زمانِ حیاتِ ایشان به نحوِ بایسته عیان گردد. آیت‌الله مصباح واکنش‌های آیت‌الله بهجت(ره) در کوران حوادث نهضت امام خمینی(ره) را چنین روایت کرده است: «وقتی که نهضت حضرت امام (رضوان‌الله علیه) و نهضت روحانیت شروع شد و ماجرای حمله کماندوها به مدرسه فیضیه پیش آمد، مرحوم آقای بهجت ضمن اظهار حساسیت و تأسف نسبت به این مسائل، اصرار می‌کردند که سعی کنید این حوادث را ضبط کنید و بنویسید. مؤکداً اصرار می‌کردند که نگذارید این‌ها تحریف و فراموش بشود. همین اصرار ایشان باعث شد که این مسائل را دنبال کنیم. مبارزاتی که از آن زمان به رهبری حضرت امام (رضوان الله علیه) و سایر مراجع شروع شد، یک بُعدش ضعیف بود؛ یعنی بُعد تبلیغاتی و فرهنگی. ایشان روی این بُعد از مبارزات تکیه می‌کردند.»[2] گذشته از دغدغه پیرامون خطر تحریف وقایع نهضت، ارسال پیغام‌های خاص به امام(ره) نیز حائز اهمیت است: «حتی گاهی [آیت‌الله بهجت] پیغام‌های خاصی به حضرت امام خمینی درباره همین مسائل سیاسی می‌دادند که در یک مورد بنده و یکی دیگر از دوستان، واسطه رساندن این پیام به حضرت امام بودیم. حضرت امام هم به ایشان عنایت خاصی داشتند.»[3] مرحوم آقا شیخ جعفر شجونی نیز در مورد بُعد سیاسی آیت‌الله بهجت(ره) و ملاقات امام(ره) با ایشان می‌گوید:«بعدها چون من هر صبح به درس آشیخ محمدتقی بهجت می‌رفتم، امام را صبح زود در منزل ایشان می‌دیدم که می‌آمدند آن‌جا با هم صحبت می‌کردند و حرف‌های خصوصی با هم داشتند. من به آقای بهجت می‌گفتم:«ایشان که هستند؟» و ایشان در جواب می‌گفت: حاج آقا روح الله خمینی از مدرسینِ بنام حوزه علمیه که درس مفیدی دارند و باید گفت که بیشتر علمای بلاد ایران شاگرد ایشان هستند.»[4]

توجه ویژه آیت‌الله العظمی بروجردی(ره) به آیت‌الله بهجت(ره) و وساطت امام(ره) برای اخذ کمک برای بهبود معیشت آیت‌الله بهجت، نیز نشان از عمق روابط این بزرگان دارد. مسئله‌ای که بدخواهان در سال‌های گذشته تلاش داشته‌اند از حافظه تاریخی مردم و حوزویان پاک شود. آیت‌الله مصباح در این زمینه می‌گوید: «مرحوم آقا مصطفی از قول امام نقل می‌کردند: از آن‌جا که حضرت امام با مرحوم آیت‌الله بروجردی ارتباط نزدیکی داشتند، مبلغی را برای آقای بهجت به عنوان کمک به زندگی ساده ایشان گرفته بودند. ولی آقای بهجت قبول نکرده بودند و امام هم مصلحت نمی‌دیدند که این وجه را برگردانند و به سختی و اصرار بر این‌که من از مال خودم به شما می‌بخشم و اجازه بدهید که این را برنگردانم، پول را به عنوان هبه از مال شخصی حضرت امام قبول کرده بودند.»[5]

بشارت‌های امیدبخش در مسیر دشوار مبارزات سیاسی، یکی دیگر از جنبه‌های شخصیتی آیت‌الله بهجت است که در لسان آیت‌الله مصباح این‌گونه روایت می‌شود:

«کسانی که با ایشان معاشرت داشتند، گه‌گاه کرامات و امور خارق العاده‌ای از ایشان مشاهده می‌کردند؛ هر چند ایشان همیشه سعی می‌کردند طوری رفتار کنند که معلوم نشود امر خارق العاده‌ای است. یکی از این قضایا مربوط می‌شود به ایامی که حضرت امام(ره)در تبعید به سر می‌بردند. آن موقع بسیاری از فضلا و علاقه‌مندان به حضرت امام(ره) مورد آزار و اذیت دستگاه قرار داشتند. [حکومت] به بهانه‌های مختلف آنها را جلب می‌کردند و به محض این که کلمه‌ای از آنها ظاهر می‌شد، از منبر منع می‌کردند و مدت‌ها تبعید و زندان برایشان در نظر می‌گرفتند. یادم می‌آید در مدرسه منتظریه که مرحوم آقای قدوسی آن‌جا را اداره و جناب آقای جنتی در آنجا تدریس می‌کردند و بنده هم خدمتشان بودم، آقای جنتی تحت تعقیب بودند.

ایشان را گرفتند و طبق قراین این نگرانی وجود داشت که ممکن است ایشان را خیلی اذیت کنند. همه ما خیلی نگران بودیم که اگر آنها اطلاعاتی از بعضی مسائل داشته باشند، ممکن است خیلی ایشان را اذیت کنند. من آمدم خدمت حضرت آقای بهجت و گفتم که جریان این است و ما خیلی نگران هستیم. ایشان تأملی کردند و فرمودند ان شاء الله خبر آزادی ایشان را برای من بیاورید؛ که این فرمایش ایشان اشاره‌ای به این بود [که] آقای جنتی به زودی آزاد می‌شوند و مشکلی نخواهد بود. البته این حرف را ممکن است هر کسی بگوید؛ ولی موقعیت طوری بود که مژده‌ای برای ما بود و مطمئن بودیم که ایشان چیزی می‌دانند و مشکلی برای آقای جنتی پیش نمی‌آید. دلیل ما از این برداشت این بود که در مواردی برای اشخاص دیگر می‌گفتیم دعا کنید و ایشان چیزی نمی‌گفتند و بعد هم می‌دیدیم این اشخاص به زودی آزاد نمی‌شوند.»[6]

مرور سیره علمی علامه مصباح نشانگرِ آن است که او در انتخاب استادان خود، علاوه بر جهاتِ علمی، به ابعاد اخلاقی و معنوی و سیاسی نیز توجه ویژه داشته است. از این رو اغلبِ اساتیدِ تأثیرگذارِ دورانِ طلبگیِ ایشان، از بزرگانِ علم و فضیلت و معنویت بوده‌اند.

سیاست‌ورزی و سیاست‌اندیشیِ مرحوم مصباح نیز حاصلِ مجالست و درس‌آموزی در مکتب بزرگانی ذَوابعاد و برجسته بوده است. گرچه در فرازهای پیشین به جهاتِ اخلاقی و معنویِ اساتیدِ آیت‌الله مصباح، اشاراتی رفت اما توجه ویژه ایشان به تهذیب و سلوک، اقتضای آن دارد که کمی بیشتر از سیره اخلاقی و سلوکِ معنوی او سخن به میان آید.[7]

مرور سیره علمی علامه مصباح نشانگرِ آن است که او در انتخاب استادان خود، علاوه‌بر جهاتِ علمی، به ابعاد اخلاقی وَ معنوی و سیاسی نیز توجه ویژه داشته است. از این‌رو اغلبِ اساتیدِ تأثیرگذارِ دورانِ طلبگیِ ایشان، از بزرگانِ علم و فضیلت و معنویت بوده‌اند. سیاست‌ورزی و سیاست‌اندیشیِ مرحوم مصباح نیز حاصلِ مجالست و درس‌آموزی در مکتب بزرگانی ذوابعاد و برجسته بوده است.

پانوشت‌ها:

۱- «ملکه اجتهاد پیش نیاز ورود تخصصی به علوم انسانی»، فرهنگ پویا، شماره ۴۵، ویژه نامه ارتحال حضرت علامه مصباح یزدی، زمستان ۹۹، صص۴۶-۴۷.

۲- مصاحبه با آیت‌الله مصباح یزدی: از شاگردان درس خارج فقه و اصول حضرت آیت‌الله بهجت قدس سره، مرکز تنظیم و نشر آثار آیت‌الله بهجت قدس‌سره، https://bahjat.ir)،۱۳۸۹/۰۱/۲۶، لینک: https://bahjat.ir/fa/print/۶۸۲.

۳- حقیقت شرق: نگاهی بر زندگی و خاطرات حکیم فرزانه حضرت آیت‌الله مصباح، ص ۳۶. همچنین:«زندگی‌نامه حضرت آیت الله بهجت»، مصاحبه صدا و سیما با آیت‌الله مصباح یزدی، پایگاه اطلاع‌رسانی آثار حضرت آیت‌الله مصباح یزدی، http://mesbahyazdi.ir. مشابه این نقل در جاهای دیگر هم آمده است، همچنین ر.ک: زندگی‌نامه حضرت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی، ص۳۱.

۴- خاطرات حجت‌الاسلام جعفر شجونی، تدوین علی‌رضا اسماعیلی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، صص۷۵-۷۶.

۵- حقیقت شرق: نگاهی بر زندگی و خاطرات حکیم فرزانه حضرت آیت‌الله مصباح، ص ۳۶. همچنین: «زندگی‌نامه حضرت آیت الله بهجت»، مصاحبه صدا و سیما با آیت الله مصباح یزدی، پایگاه اطلاع‌رسانی آثار حضرت آیت‌الله مصباح یزدی، http://mesbahyazdi.ir.

۶- حقیقت شرق: نگاهی بر زندگی و خاطرات حکیم فرزانه حضرت آیت‌الله مصباح، ص ۴۲. همچنین:«زندگی‌نامه حضرت آیت الله بهجت»، مصاحبه صدا و سیما با آیت‌الله مصباح یزدی، پایگاه اطلاع‌رسانی آثار حضرت آیت‌الله مصباح یزدی، [بی تا]، http://mesbahyazdi.ir.

۷- گرچه صاحبِ این قلم، اهلیتِ گفتن و نوشتن از این عالَم رمزآلود ندارد اما به رسمِ امانت، بازگو کردنِ برخی نقل‌ها ضرورت دارد. ان‌شاءالله قصورها را ببخشایند.

خاطرات رفاقت چهل‌ساله حجت‌الاسلام والمسلمین علی شیرازی با حاج قاسم سلیمانی - ۲۶

هنرش آدم‌شناسی در میدان بود

سعید علامیان

حاج‌قاسم، فرماندهی شکست‌ناپذیر بود، و هیچ حادثه‌ای، او را به زانو درنمی‌آورد. پس از پیروزی‌های پی‌درپی در عملیات ثامن‌الائمه(ع) و طریق‌القدس و فتح‌المبین و بیت‌المقدس، عملیات رمضان[1]، اولین عملیاتی بود که با عدم موفقیت روبه‌رو شد. فرماندهان از این موضوع ناراحت بودند. وضع به گونه‌ای شد که برادر محسن رضایی، فرمانده کل سپاه، در جمع فرماندهان قرارگاه کربلا اعلام کرد: چراغ‌ها را خاموش می‌کنیم. هر یک از فرماندهان که نمی‌توانند بمانند، می‌توانند بروند!

در آن جلسه، اولین فرماندهی که برای تجدید پیمان صحبت کرد، حاج‌قاسم سلیمانی بود. گفت: برادر محسن، ما که آمده‌ایم، از همه‌چیز گذشته‌ایم. زندگی‌مان را برای این جنگ گذاشته‌ایم. تا آخرین لحظه، پای کار هستیم. ممکن است حرف‌هایی با هم زده باشیم؛ اما برای عملیات بعد آماده‌ایم.

قاسم سلیمانی، بچه‌های لشکر ثارالله را بچه‌های خودش می‌دانست. اگر یک نفر مجروح می‌شد، می‌سوخت. مثلاً اگر مشکل از مهندسی بود، مسئول مهندسی را بازخواست می‌کرد. وقتی جان بچه‌ها در خطر بود، با کسی تعارف نداشت. می‌گفت می‌بایست این‌جا خاکریز می‌زدید، نزدید. اگر در سنگر یا خاکریز زدن کوتاهی کرده باشید، خون این بچه‌ها، به گردن شماست. در این مواقع عصبانی می‌شد و سرشان داد می‌زد. آنها ناراحت نمی‌شدند؛ چون می‌دانستند سلیمانی برای خدا عصبانی شده است.

از سال ۱۳۶۱ تا پایان جنگ، چه وقتی رزمنده و چه وقتی مسئول تبلیغات لشکر ثارالله بودم، حتی یک بار ندیدم رزمنده‌ای بگوید غذا به ما نرسید. در همه جلسات فرماندهی شاهد بودم حاج‌قاسم، همان‌طور که به تسلیحات لشکر دستور می‌داد در هر وضعیتی گلوله و مهمات به دست رزمنده توی خط بدهد، تدارکات را هم موظف می‌کرد غذای گرم به خط مقدم برساند. خودم در کربلای یک دیدم وسط عملیات، جایی که از زمین و آسمان گلوله می‌آمد، غذای گرم با نوشابه قوطی سرد به رزمنده داده می‌شد. در آن فصل، بهترین میوه، گیلاس بود. دستور داد گیلاس درجه یک به خط برود. یک دانه از آن گیلاس‌ها، در قرارگاه و پشت خط پیدا نمی‌شد! می‌گفت وقتی نیرو می‌خواهد بجنگد، نباید کمبودی داشته باشد.

به تبلیغات اهمیت می‌داد. چندین ماشین بلندگودار آماده کرده بودیم. همین که خط شکسته می‌شد، به من بیسیم می‌زد که ماشین بلندگودار بردار، بیا جلو. می‌خواست پس از شکستن خط، مارش پخش کنیم تا رزمنده‌ها شور پیدا کنند.

ماشین‌های بلندگودار که از خط برمی‌گشت، با گلوله‌های دشمن سوراخ سوراخ شده بود. بچه‌های تبلیغات، در خط مقدم گلاب می‌پاشیدند. یادم هست عملیات کربلای یک، در تیرماه و اوج گرما بود. بچه‌ها، خسته و عرق‌ریزان می‌خواستند نفسی تازه کنند، گلاب و یخ روی خود می‌ریختند تا خنک شوند. شیرینی پخش می‌کردند. حاج‌قاسم همیشه با پشتیبانی پشت جبهه و همه مسئولان در تماس بود. با ائمه جمعه جلسه می‌گذاشت؛ آنها را بسیج می‌کرد. بیشترین امکانات را مردم استان کرمان به جبهه می‌فرستادند.

آدم‌شناسی، از هنرهای حاج‌قاسم بود. نیروهایش را توی میدان شناسایی می‌کرد. فرماندهی نبود که از بیرون مدیریت کند. برخی گلایه می‌کردند که نمی‌توانیم حاج‌قاسم را ببینیم؛ ولی نیروی جهادیِ توی میدان گلایه نداشت که حاج‌قاسم را نمی‌تواند ببیند. توی میدان، نیروهایش را ارزیابی می‌کرد؛ جنگش را می‌دید، اخلاقش را می‌سنجید و مسئولیت می‌داد.

آدم‌شناسی، از هنرهای حاج‌قاسم بود. نیروهایش را توی میدان شناسایی می‌کرد. فرماندهی نبود که از بیرون مدیریت کند. برخی گلایه می‌کردند که نمی‌توانیم حاج‌قاسم را ببینیم؛ ولی نیروی جهادیِ توی میدان گلایه نداشت که حاج‌قاسم را نمی‌تواند ببیند. توی میدان، نیروهایش را ارزیابی می‌کرد؛ جنگش را می‌دید، اخلاقش را می‌سنجید و مسئولیت می‌داد.

همان‌طور که دوران دفاع مقدس، توی عملیات، نیروهایش را رشد می‌داد، در سوریه هم نگاه می‌کرد کی جربزه و مدیریت میدانی دارد و توی میدان، زیر آتش می‌تواند تصمیم بگیرد؛ توی میدان، آنها را گزینش می‌کرد.

جوان‌هایی مثل سیدمصطفی صدرزاده[2]، محمدحسین محمدخانی[3]، حسین قمی[4] و دیگران، همه به عنوان یک نیروی رزمنده عادی به سوریه رفته بودند، و توی جنگ فرمانده شدند. حاج‌قاسم، آنها را توی میدان جنگ کشف کرد. صدرزاده را چند بار دیده بودم؛ نیروی مخلصی بود. در شهریار تهران زندگی می‌کرد. به او اجازه اعزام نداده بودند. به مشهد رفته و در نقش یک تبعه افغانستانی به سوریه اعزام شده بود. حسین بادپا، از بچه‌های قدیم لشکر ثارالله که در سوریه یکی از فرماندهان لشکر فاطمیون بود، توی عملیات به حاج‌قاسم بیسیم می‌زند تا به او گزارش بدهد. همان موقع، صدرزاده هم در کنارش با بیسیم در حال صحبت با کسی بوده و حاج‌قاسم، صدایش را پشت بیسیم می‌شنود.

حسین بادپا برایم می‌گفت «وقتی حاج‌قاسم را دیدم، پرسید حسین، آن جوان کی بود کنار دستت داشت با بیسیم صحبت می‌کرد؛ همان که لهجه غلیظ تهرانی داشت؟ گفتم اسمش صدرزاده است. گفت بگو بیاید ببینمش.» از پشت بیسیم تشخیص داده بود که صاحب این صدا، آدم خاص و مقتدری است؛ فرماندهی یک گردان را به او واگذار کرد.

پانوشت‌ها:

۱. عملیات رمضان، ۲۳ تیر تا هفتم مرداد ۱۳۶۱ در شرق بصره در چهار مرحله اجرا شد.

۲. سیدمصطفی صدرزاده با نام جهادی سیدابراهیم، یکم آبان ۱۳۹۴ در حومه حلب سوریه شهید شد. او متولد شهریور ۱۳۶۵ در شوشتر بود.

۳. محمدحسین محمدخانی، تیر ۱۳۶۴ در تهران متولد شده بود و شانزدهم آبان ۱۳۹۴ در سوریه شهید شد.

۴. مرتضی حسین‌پور شلمانی، معروف به حسین قمی، شهریور ۱۳۶۴ دیده به جهان گشوده بود و روز شانزدهم مرداد ۱۳۹۶ در دیرالزور سوریه به شهادت رسید.

نیازمندی‌های کیهان

قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز			
۳۳۱۱۰۲۰۲			
۳۳۱۱۳۵۱۹	۳۳۱۱۸۰۵۲	۳۳۱۱۲۱۹۳	
۳۳۱۱۰۲۱۰	۳۳۹۱۱۵۶۸	۳۳۱۱۲۲۹۱	
۳۳۱۱۸۰۵۰	۳۳۱۱۹۲۳۶	۳۳۱۱۳۰۸۵	
	۳۳۱۱۲۱۹۵	۳۳۹۴۲۰۰۰	

جنوب	
سعدی	۳۳۹۶۲۲۳۳ - ۳۳۹۶۲۲۱۱
شرق استان تهران	۳۶۲۵۷۰۷۴
اسلامشهر	۵۶۳۴۴۳۴۳
چهاردانگه	۵۶۳۵۹۵۹۸

شمال	
قلهک	۲۲۶۰۳۶۳۵
شمیران	۲۲۷۱۲۹۷۶
مطهری	۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲
شهرآرا	۶۶۵۹۲۲۶۶ -۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱

پروانه مسئول فنی مرکز تخصصی کار سعدی واقع در شیراز به شماره ۴-۲۵۸۸۴۳۴ به تاریخ صدور ۱۴۰۰/۱۲/۲۲ و تاریخ اعتبار ۱۴۰۱/۵/۳۱ به نام نگار عقیلی نظام پزشکی ۷۵۵۳۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی (نوبت سوم)
مدرک کارشناسی اینجانب الهام سادات سیاه‌پوش فرزند میرمحمد به شماره شناسنامه ۸۰۰۷ متولد ۱۳۵۳/۰۹/۱۳ کد ملی: ۰۰۷۱۱۹۱۸۲۸ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته مهندسی کامپیوتر(نرم‌افزار) صادره از واحد دانشگاهی تهران‌جنوب مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد جنوب به نشانی تهران- خیابان کریم‌خان زند- خیابان ایرانشهر شمالی- نبش آذرشهر پلاک ۲۰۹ و یا کدپستی ۱۵۸۴۷۱۵۴۱۴ ارسال نماید.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده
شرکت آسان الکترونیک غدیر(سهامی خاص)
شماره ثبت: ۳۲۹۹۸۲ شناسه ملی: ۱۰۱۰۳۶۹۵۵۵۵
بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت آسان الکترونیک غدیر(سهامی خاص) دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۱ صبح روز یکشنبه‌مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۲۰ در مرکز اصلی شرکت تشکیل می‌گردد شرکت نمایند.
دستور جلسه: انتخاب بازرسین قانونی
هیئت مدیره شرکت آسان الکترونیک غدیر

خرید و فروش فیش حج - مکه
خرید و فروش ویژه فیش حج تمتع و عمره بهترین قیمت انتقال مالکیت یک روزه ۹۱۰۰۳۶۰۳-۰۲۱

آگهی‌های مفقودی

برگ سبز و برگ کمپانی موتورسیکلت باکس TVS مدل ۱۳۹۷ بشماره پلاک ۷۵۹۹۲- ایران ۱۳۶ بشماره موتور HMAJ۰۰۳۳۶۵ بشماره شاسی N۱۴TMRMEBJ۱A۱۲۹۹۵ مفقود و فاقد اعتبار است.

(نوبت سوم)
پروانه طبابت اینجانب امیرعباس صفری‌پور به شماره ۴۲-۱۰۱۱۶۱-۲۸۰ به تاریخ صدور ۱۳۹۶/۵/۱۷ به شماره نظام پزشکی ۱۰۱۱۶۱ مربوط به شهر شیراز مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و کارت مشخصات خودرو سواری پژو ۵PARSTU به شماره انتظامی ۴۶۹ ط ۹۵ ایران ۳۰ مدل ۱۴۰۱ موتور ۱۶۴B۰۳۰۳۰۵۰ شاسی NAAN۱۱FE۴NH۲۱۲۳۳۳ به نام فاطمه نوابی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز موتورسیکلت سپند به رنگ آبی مدل ۱۳۸۳ به شماره پلاک ۱۶۸۶۹ ایران ۱۱۷ به شماره موتور ۱۲۰۱۵۳۶۸ به شماره تنه ND۵۰۰۰۱۲۵S۸۳۲۸۲۶۸ به مالکیت علی دهقان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز سواری پراید به شماره انتظامی ۱۴۴ و ۲۴ ایران ۷۳ موتور ۳۹۵۶۹۳۵ شاسی S۱۴۲۲۲۹۰۲۴۰۷۳۸ به نام علی رفیعی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و برگ سبز و کارت مشخصات و پلاک تراکتور مدل R۴۱ موتور RG۱۷۰۱۰۵ شاسی KLJ۲۱۰۳۱THJ۰۱۵۵۶۶ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و برگ سبز پژو ۲۰۶ به شماره انتظامی ۲۶۴ ق ۱۳ ایران ۵۴ موتور ۱۰FSF۹۴۱۳۴۸۰۱ شاسی ۸۱۶۳۲۵۲۷ مدل ۸۲ به نام حکیم خانی مزرعه آخوند مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی
دانشنامه پایان تحصیلات اینجانب سمیه رفیع پرهیزکار، فرزند اسمعیل، به شماره ملی ۲۵۹۳۸۶۶۶۱۶، در مقطع کارشناسی حرفه‌ای رشته حسابداری دولتی صادره از دانشگاه علمی‌کاربردی همیاری شهرداری‌های استان گیلان مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه علمی‌کاربردی همیاری شهرداری‌های استان گیلان به نشانی رشت- خیابان معلم ارسال نمایید.

اینجانب حسین زرین‌پور مالک خودرو پژو ۴۰۵ مدل ۸۶ به شماره انتظامی ۵۸۲ ن ۷۷- ایران ۴۱ به شماره تنه ۴۰۳۰۴۵۹۸ و شماره موتور ۱۲۴۸۵۲۱۳۵۵۷ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور نموده است. لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش ایران خودرو واقع در پیکانشهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام قانونی به عمل خواهد آمد.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی (نوبت اول)
مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب طیبه محمدزاده گودینی فرزند عبدالوهاب به شماره شناسنامه ۲۳۲۴ صادره از کنگاور در مقطع کاردانی رشته بهداشت خانواده صادره از دانشگاه علوم‌پزشکی همدان با شماره ۳۴۱/ف/۱۶/۳۲/پ مورخ ۱۳۸۹/۰۹/۲۰ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه علوم پزشکی همدان به آدرس خیابان شریعتی روبروی تالار مرمر ساختمان شماره ۴- معاونت آموزشی دانشگاه ارسال نمایند.

اینجانب افشین آدینه مالک خودرو پژو ۴۰۵ مدل ۸۹ به شماره انتظامی ۵۴۳ م ۸۹- ایران ۴۱ به شماره تنه NAAM۰۱CA۹BK۸۹۶۹۰۱ شماره موتور ۱۲۴۸۹۲۲۹۸۷۳ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور نموده است. لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش ایران خودرو واقع در پیکان‌شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام قانونی به عمل خواهد آمد.

مجله زن روز
روزهای شنبه هر هفته منتشر می‌گردد

اسامی ۸ نفر از فرزندان تحت پوشش شیرخوارگاه شبیر

نام کودک: بهشاد
تاریخ تولد: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲
ارجاع دهنده: مرکز طبی کودکان

نام کودک: عرشیا
تاریخ تولد: ۱۴۰۱/۱۱/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۳
ارجاع دهنده: بیمارستان امام حسین (ع)

نام کودک: افشین
تاریخ تولد: ۱۴۰۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸
ارجاع دهنده: بیمارستان طبی کودکان

نام کودک: پندار
تاریخ تولد: ۱۴۰۱/۱۱/۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۶
ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی شهریار

نام کودک: ساحل
تاریخ تولد: ۱۴۰۱/۱۱/۲۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۳
ارجاع دهنده: اورژانس دماوند

نام کودک: مهرداد
تاریخ تولد: ۱۴۰۱/۱۱/۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۴
ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی دماوند

نام کودک: دریا
تاریخ تولد: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۳
ارجاع دهنده: اورژانس حر

نام کودک: نسترن
تاریخ تولد: ۱۴۰۱/۱۰/۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۳
ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه

اسامی ۵ نفر از فرزندان تحت پوشش شیرخوارگاه حضرت رقیه (س)

نام کودک: مستعار کوروش
تاریخ تولد: ۱۴۰۱/۱۲
زمان پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲
محل پیدایش: رهاشده در پارک شقایق شهرک ولیعصر(عج)

نام کودک: مستعار ندا
تاریخ تولد: ۱۴۰۱/۱۱/۲۶
زمان پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۶
محل پیدایش: بیمارستان شهدای پاکدشت

نام کودک: مستعار حمید
تاریخ تولد: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸
زمان پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸
محل پیدایش: بیمارستان شهید اکبرآبادی

نام کودک: مستعار ملودی
تاریخ تولد: ۱۴۰۱/۱۰/۲۴
زمان پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۴
محل پیدایش: بیمارستان بهارلو

نام کودک: مستعار عرشیا
تاریخ تولد: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰
زمان پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰
محل پیدایش: بیمارستان شهید اکبرآبادی

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در تهران سال ۱۴۰۱

متقاضیان محترم می‌توانند با توجه به جدول زیر نسبت به انتخاب هر یک از نشریات مورد علاقه و واریز مبلغ اشتراک به شماره کارت **۶۱۰۴۳۳۸۹۸۷۹۴۸۷۷۱** بانک ملت به نام چاپ و انتشارات کیهان و ارسال اصل فیش بانکی همراه با فرم تکمیل شده ذیل به صندوق پستی **۱۱۳۶۵/۳۶۳۱** با پست سفارشی نسبت به برقراری اشتراک خود اقدام نمایند.

نوع نشریه	یکساله (ریال)	شش ماهه (ریال)	سه ماهه (ریال)
روزنامه کیهان	۱۸/۰۰۰/۰۰۰	۹/۰۰۰/۰۰۰	۴/۵۰۰/۰۰۰
روزنامه کیهان انگلیسی	۶۳/۰۰۰/۰۰۰	۳۱/۵۰۰/۰۰۰	۱۵/۷۵۰/۰۰۰
روزنامه کیهان عربی	۶۳/۰۰۰/۰۰۰	۳۱/۵۰۰/۰۰۰	۱۵/۷۵۰/۰۰۰
مجله کیهان ورزشی	۱۰/۹۲۰/۰۰۰	۵/۴۶۰/۰۰۰	۲/۷۳۰/۰۰۰
مجله زن روز	۱۰/۹۲۰/۰۰۰	۵/۴۶۰/۰۰۰	۲/۷۳۰/۰۰۰
مجله کیهان بچه‌ها	۴/۴۱۰/۰۰۰	۲/۲۰۵/۰۰۰	۱/۱۰۳/۰۰۰
مجله کیهان فرهنگی	۹۶۰/۰۰۰	———	———

توجه
۱- اشتراک عزیزانی که فرم درخواست آنها تا دهم هر ماه به امور مشترکین برسد از اول ماه بعد برقرار می‌شود.
۲- یک نسخه از کپی فیش بانکی و قبض سفارشی را تا پایان مدت اشتراک حتما نزد خود نگهداری نمائید.
۳- در صورت تغییر قیمت نشریات و یا هزینه پستی، معادل مبلغ پرداخت‌شده، نشریه مورد تقاضا ارسال می‌گردد.
۴- در صورت تمایل به اشتراک چند نشریه، برای هر کدام فیش بانکی جداگانه تهیه فرمائید.
۵- قبض پرداختی را می‌توانید به شماره **۰۹۱۲۷۹۳۲۵۶۸** با ذکر مشخصات در کانال تلگرام قرار داده به امور مشترکین اطلاع دهید.

فرم تقاضا
نام: ..... نام خانوادگی: ..... نوع نشریه: ..... تعداد نسخه..... مدت..... ماه
مبلغ پرداختی: ..... ریال شماره فیش بانکی: ..... تلفن: ..... تلفن همراه: .....
آدرس: .....
کد پستی: ..... پست الکترونیکی: .....
شماره اشتراک: .....

تلفن: ۳۵۲۰۲۲۷۸-۰۲۱ نمابر: ۳۳۹۱۰۹۲۲-۰۲۱
امور مشترکین موسسه کیهان